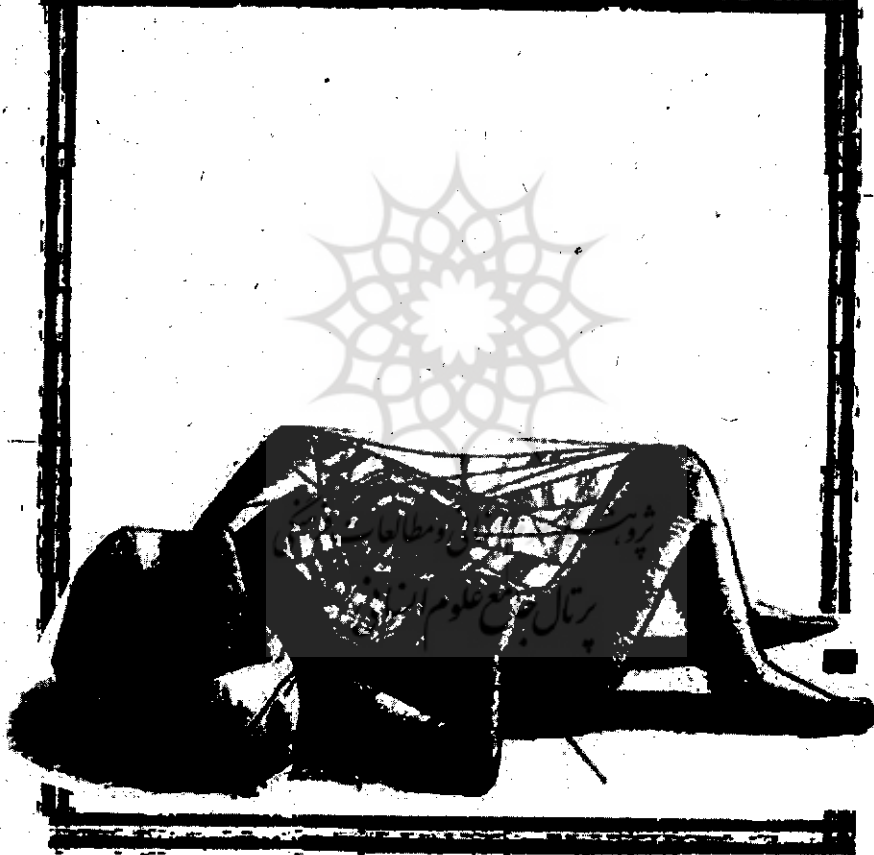


# PERSEPOLIS



# مستزبر امریک حاشیه

سید حمید رضا قادری

نمایش فیلم انیمیشن پرسپولیس، هم‌چنان که انتظار می‌رفت جنجال‌هایی با خود به همراه داشت. با این تفاوت که در مقایسه با جنجال‌های پس از نمایش فیلم ۳۰۰ این بار، بیشتر کسانی که به نمایش این فیلم معترض بودند را در دسته ایرانیان معتقد به نظام سیاسی، اخلاقی و فرهنگی فعلی می‌توان قلمداد نمود در حالی که در میان معترضان به نمایش فیلم ۳۰۰ می‌توانستیم از همه اقشار فکری، کسانی را بیابیم. این تفاوت را می‌توان به محتوای مورد تمسخر دو فیلم مربوط دانست که در یکی تاریخچه باستانی غیرقابل انکار یک تمدن که وجه اشتراک همگی ایرانیان است مورد حمله قرار گرفته بود ولی در این یکی - پرسپولیس - نوک تیز حملات به سوی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران هدف‌گیری شده است که بی‌تردید در دنیا دارای دشمنان و منتقدان بی‌شماری است. شاهی بر این ادعا را می‌توان در تفاسیری جست‌وجو نمود که تحلیل‌گران فیلم در بسیاری از روزنامه‌ها یا پایگاه‌های اینترنتی بر این فیلم نگاشته‌اند که در بسیاری از آن‌ها این اثر کاملاً تفسیری امروزی شده و در نوشتارهای خود اثر پرسپولیس را به جنگ مرجان ساتراپی با بنیادگرایی یا اصول‌گرایی تعبیر نموده‌اند.

گرچه سکوت خبری ملموس رسانه‌های هنری، سیاسی و فرهنگی ایران در برابر نمایش این فیلم از جشنواره کن تاکنون - در مقایسه با هیاهوهای معترضان به فیلم ۳۰۰ - را می‌توان بر این معنا حمل نمود که محتوای این فیلم آن‌چنان ملتهب بوده است که یاران مطبوعاتی، در خود یاری نزدیک شدن به آن را نمی‌دیدماند و راه چاره را در پرهیز از مطرح ساختن یا نقد این اثر یافته‌اند ولی این چنین عاقبت‌طلبی‌ای با اصول حرفه‌ای و اخلاقی روزنامه‌نگاری در تضاد است و البته این گمانه را می‌توان تا آن جا نیز پیش برد که شاید انتقادهای مطرح شده در این فیلم به

۱. برای نمونه در سپاس فیلم این گونه آمده است:  
پرسپولیس داستان زندگی دختر جوانی در ایران در طول انقلاب اسلامی است. ما از دیدگاه دختری نه ساله به نام مرجان می‌بینیم که امیدهای مردم با به قدرت رسیدن اصول‌گرایان و فشار آوردن به زنان و زنانی نمونه‌ها در نقش بر لب می‌نویسد او هوشناکه و بدون ترس، از پاسداران و محافظان عرصه اجتماع می‌گوید و زنجیرها را از تنگ‌ساز می‌سازد.  
این نقل از پایگاه اینترنتی شرکت سونی پیکچرز به

دستی  
(www.sonypictures.com/classics/persopolis)



مناقش برخی خوش آمده باشد که این گونه راه بر سکوت بسته‌اند! با این همه در تحلیل این اثر به جز پرداختن به وجوه هنری کار، در تحلیل محتوا نباید از دو نکته غافل شد:

۱. شخصیت سازنده اثر؛ چرا که فیلم پرسپولیس به معنای واقعی کلمه یک زندگی‌نامه تصویری است. پس نمی‌توان در تحلیل محتوای آن از پرداختن به شخصیت مرجان ساتراپی خودداری نمود.

۲. شرایط اجتماعی و سیاسی فعلی ایران و جهان؛ در این فرصت اندک به تحلیل محتوای این فیلم بر اساس این دو معیار مهم می‌پردازیم.

### از نگاه مولف

تا پیش از رونمایی پرسپولیس، کمتر کسی اطلاعات آن‌چنانی درباره کارگران این فیلم داشته است و این در حالی است که وی به مدد کتب مصوری که به چاپ رسانده بود در کشور فرانسه شناخته شده بود.

درباره زندگی‌نامه وی اطلاعاتی که وجود دارد، نشان می‌دهد مرجان ساتراپی متولد سال ۱۳۴۸ هجری شمسی - ۲۲ نوامبر ۱۹۶۹ میلادی - در شهر رست است. جالب آن که ریشه بسیاری از تملقات وی را باید در همان خانواده‌اش جست‌جو نمود:

من از یک خانواده طبقه متوسط می‌آیم، یک خانواده یولنار. نه خیلی پولدار... والدینم آدم‌های بازی هستند و تنها یک بچه دارند. حتی اگر خیلی دفعات با کارهای من موافق نبودند، ولی به من اجازه می‌دادند که هر کاری که می‌خواهم انجام دهم. آن‌ها هرگز من را مانند یک دختر [در شرایط ایران یا محدودیت‌ها] بار نیاوردند... پدر بزرگم، من یک قاجار بودم... [در آن زمان] تنها کسانی که پول کافی برای فرستادن بچه‌هایشان به خارج از کشور داشتند، خانواده‌های قجری بودند. این بچه‌ها در ابتدای قرن به اروپا رفتند. آن‌جا اینتولوزی غالب کمونیسم، سوسیالیسم و مارکسیسم بونساین پارادوکسی بود که وجود داشت... پدر بزرگ من از چنین خانواده‌ای و در چنین شرایطی کمونیست شد.

وی تا زمان انقلاب، در مدرسه فرانسه زبان و مختلط ژاندارک و رازی درس خواند. نه ساله بود که انقلاب پیروز شد. سال‌هایی از جنگ ایران و عراق را در تهران به سر برد و سپس اواخر سال ۱۹۸۴ به وین رفت و در دبیرستان فرانسه زبان شهر وین تحصیل کرد. او دوران بلوغ خویش را در اتریش سپری کرد و سپس در هیجده سالگی به ایران بازگشت.

وی در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه آزاد تهران در رشته

۳. پیر فرانسوا بشارا Pierre-François Beuchard معروف به دیوید بی متولد ۹ فوریه ۱۹۸۰ میلادی در شهر نرس فرانسه است وی تحت تأثیر دو هنرمند دیگر فرانسوی ژاک تئوری و جورج بشار به تکنیک تصویرگری سیاه و سفید روی آورد.

۴. مجموعه کتابهای پرسپولیس در چهار جلد به چاپ رسیده که در کتاب نخست آن در نوامبر سال ۲۰۰۰ توسط انتشارات Ciboletto به زبان فرانسه و سپس انگلیسی به بازار آمد و در اندک مدتی به مدد تبلیغات رسانه‌های غربی به پرفروش‌ترین کتاب روز دنیا تبدیل شد. روزنامه نیویورک تایمز به نقل از پانتئون (Pantheon) از بهترین آثار پرسپولیس مدعی شده است که این کتاب در نظر از یکصد کتاب قرن بیستم می‌شود همچنین آرم به ذکر است که این کتاب در آمریکا نیز از طریق استیون اسپرگول و همکاران در بیشتر کتابخانه‌های توزیع شده است. کتاب پرسپولیس جایزه‌های متعددی را در جشنواره‌های معتبر کتاب کودک کتاب مصور و طراحی کتاب فرانسه پاریس و اسپانیا از آن خود کرد. از جمله در جشنواره بین‌المللی کتاب کودک برنده جایزه شد. اثر بعدی وی کتاب‌های *از آن طرف* و *چندین رمان* او با عنوان *چوبه و گردو* یا *چوبه و خورشید* که نقل کرده‌اند وی همچنین با پشتی ساخته *مقاله سرسنگ‌ها* (Op-Ed) در روزنامه نیویورک تایمز همکاری دارد.

۵. گرچه این فیلم بر اساس نوشته‌های یک ایرانی درباره ایران ساخته شده است ولی از نظر تولید، کارگردانی، فرانسوی است و هنرمندان مشهور این کشور مانند کاترین دنوور، تیل فریر و کوازا ماستیچی به عنوان کارگردان در این نقش‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند. در نسخه اصلی این فیلم‌های ایرانی - اصلی به نام *پنجاه سالگی* نقش‌آفرینی شده است. نسخه انگلیسی آن با صدای جان رولاندز (Gena Rowlands)، جان پان (Sean Penn) و ایزیک بوب (Iggy Pop) منتشر شده است.

۶. وی در جمع خوانندگان کاپشن در شهر نیویورک درباره نقش لغت در زندگی این گونه گفته است: یکی از موضوعهای کتاب خورشید که با سرفه مفهوم لغت است که همه چیز را شامل می‌شود این مفهوم لغت که همه این‌ها را در بر می‌گیرد و قدری آن را منع می‌کنند برای من مهم بود. فرهنگ خود شما را ایجاد هم همین را می‌خواهد می‌کنند به محض آنکه می‌گویند لغت خوبه. هشدار می‌دهند. اشتباهی به محض آنکه می‌گویند سیگار می‌کوند سرطان تا می‌گویند سکس می‌کوند اینها ترویج می‌دهند به گروه‌های نوری زمین بان نام تحویل ندانید. ورا باید در زندگی پیدا کرده باشم که بدن سالمی را تحویل گروه‌های زمین ندانم اگر چیزی که به من سر...

ارتباطات تصویری درس خواند و از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۴ به نوبت و یا هم‌زمان، به عنوان تصویرگر مجله‌ها، مدرس زبان‌های فرانسه و انگلیسی، مدرس نقاشی، گرافیک و مشغول به کار بود. در سال ۱۹۹۴ راهی فرانسه شد و تا سال ۱۹۹۷ در *استراسبورگ فرانسه* در رشته تصویرگری آموزش دید. او از سال ۱۹۹۷ در پاریس زندگی می‌کند و حرفه‌اش نقاشی و تالیف کتاب‌های کودکان است. و با مجلات و روزنامه‌های متعددی همکاری دارد. ساتراپی پس از نقل مکان به پاریس به *آنتیله دیوژ پیوست* که مأمون بسیاری از نویسندگان مشهور کتاب‌های مصور که به موج نو تعلق دارند می‌باشد. وی پیش از کتاب پرسپولیس دو کتاب کودکان با نام *هیولاها ماه را دوست نوازند* و *از در را در فرانسه* به چاپ رسانیده بود. از دیگر کتاب‌های مرجان ساتراپی می‌توان به کتابی با نام *قلایبوزی‌ها یا گلدوزی‌ها* اشاره کرد که نویسنده به موضوعاتی که در ایران تابو هستند، پرداخته است. در این کتاب سه نسل از زنان ایرانی در یک مهمانی به سخن می‌آیند و از خصوصی‌ترین مشکلات زنان ایرانی حرف می‌زنند.

او طراحی مجموعه کتاب پرسپولیس را به تشویق دیوید بی (David B) شروع کرد و چاپ و انتشار این کتاب بود که برای وی شهرت به همراه آورد.

فیلم پرسپولیس از ترکیب کتاب‌های چهارگانه ساتراپی به همین نام و با هزینه اندک ۸ میلیون دلار ساخته شده است. تولید این محصول ۳ سال به طول انجامید. انیمیشن پرسپولیس، برای نخستین بار در ماه می سال ۲۰۰۷ در جشنواره فیلم کن به نمایش درآمد و به همراه فیلم *Still Light اثر کارلوس ریگاداس*، مشترکاً برنده جایزه ویژه هیئت داوران شد.

هم‌چنین در سایت شرکت سونی بیگچرز، پخش کننده فیلم، عناوین برگزیده دیگری نیز برای این فیلم آورده شده است:

- Official Selection 2007 Toronto International Film Festival
- Official Selection 2007 Telluride Film Festival
- Official Closing Night Selection 2007 New York Film Festival
- پرسپولیس در ژانویه سال ۲۰۰۸ نامزد آسکار برای بهترین شخصیت انیمیشنی (Best Animated Feature) گردید.

درباره شخصیت وی می‌توان بر اساس نقل قول‌هایی که از او در جاهای گوناگون آمده است، به این نتیجه رسید که او به مانند بسیاری از مارکسیست‌های تندرو که اکنون در جای‌جای عالم بر اساس آرمان‌های فکری خود به مخالفت با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مشغولند، برای هیچ چیز و هیچ کس تقدسی قائل نیست. همان‌طور که وی یکبار به صراحت بیان کرده است، زندگی برای کسی چون مرجان ساتراپی، مجموعه‌ای از لذت‌های ممنوعه است که وی دوست دارد به آن‌ها دست پیدا کند.



روزنامه اطلاعات ۲۱ شهریور ۱۳۸۰



مرجان ساترانی

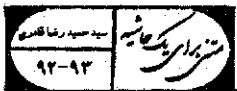
جالب آن که وی بر خلاف بسیاری از مخالفین نظام جمهوری اسلامی ایران - که به نقد سیاست‌های داخلی و خارجی ایران می‌پردازند، در اثر پرسپولیس به درست‌نمایی برخی وجوه زندگی ایرانی که تابع عقاید حقه اسلامی است، می‌پردازد. آن هم وجوهی از زندگی ایرانی که می‌داند نمایش آن‌ها در غرب، می‌تواند باعث برانگیختن احساسات تماشاگر غربی و همدلی او با شخصیت‌های داستانش شود.<sup>۷</sup> به همین دلیل وی در سراسر اثرش بیشترین انتقاد را از این ناحیه متوجه نظام جمهوری اسلامی ایران می‌کند که چرا مردم - البته مردمی که مرجان ساترانی مدعی نمایندگی آن‌هاست - نمی‌توانند آشکارا مشروب بنوشند، با همدیگر برقصند و دیگر لذت‌های نامشروع را ببرند. در نتیجه اثرش بیش از آن که به نقد ساختارهای سیاسی ایران مشغول باشد، به معنای واقعی کلمه در حال دست‌وپا زدن برای تبلیغ لذت‌زدی است که غربی‌ها آن‌ها را حق مسلم هر انسان می‌دانند ولی در ایران، مردم به دلیل ملاحظات دینی و عرفی با آن‌ها مخالف هستند. پس از این منظر، مرجان ساترانی تنها به این دلیل که چرا نمی‌تواند آزادانه در ایران - که اکثریت مردم آن را مسلمانان شیعه اثنی‌عشری تشکیل می‌دهند - مشروب بخورد، برقصد و بی‌حجاب راه برود، به ساخت اثری پرداخته است که نسبت به سلف دروغ‌پردازانه‌اش بدون دخترم هرگز، تنها یک تفاوت دارد:

آن یکی فیلم‌سینمایی با شخصیت‌هایی جاندار بود و این یکی انیمیشنی با شخصیت‌هایی بی‌جان!

در نهایت چهره‌ای که وی از تمایلات زنان ایرانی به بیننده غربی ارائه می‌دهد، چهره زانی است که با حکومت ایران برای رسیدن به شراب، سکس، رقص و داشتن روابط آزاد می‌جنگند.

چهار لخت خنده سرخجام مرا بکنند، بگذار بکنند  
(به نقل از رادیو زمانه)

لا الهه وی تلاش نموده با پرداختن منتقدانه به شخصیت شاه صف خود را از سطوح سلطنت‌طلبی که این روزها فوغلهای پوچان در شبکه‌های ماهواره‌ای، گوش فلک را کر کرده است، جدا سازد. البته وی از سابقه مارکسیستی خانوادگی خود برای دادن نوعی مشروعیت بنیادین و اعتقادی به پرداختنهای شخصیت از فضای ایران اسلامی بهره برده است. همچنین انگیزه نظرات وی علیه جرج بوش و اقدامات او در جهان نیز نوشته تا انگیزه‌ای به وی چهره‌های مستقل در میان منتقدان خارج از کشور ایران بدهد.



چهره‌ای دم دستی، به دور از واقعیت اکثریت مطلق جامعه و بسیار ذلیلانه<sup>۱</sup> در تحلیل نهایی اثر، نباید از یک نکته مهم غفلت نمود و آن این که مرجان ساتراپی و افرادی مانند او دقیقاً نسلی هستند که برخی از نزدیکانشان را به دلیل مخالفت با امواج توفانی انقلاب اسلامی ایران از دست داده‌اند.<sup>۲</sup> پس بدیهی است که در هنگامه توانمند شدن در هر عرصه‌ای، تلاش کنند انتقام شخصی خود را از نظام حکومتی و عقیدتی ایران بستانند و این امر آثار آن‌ها را از دایره عدالت و بی‌طرفی در نقد شرایط اجتماعی یک کشور خارج می‌کند؛ مگر آن که خلافش ثابت شود.



### در میان شرایط

گرچه نمی‌توان یکسره آثاری چون پرسپولیس را فاقد هرگونه مولفه هنری قلمداد نمود با این‌همه نباید از این نکته غفلت کرد که افرادی چون مرجان ساتراپی آگاهانه یا ناآگاهانه در مسیری قدم گذارده‌اند که در نهایت به تأمین خواسته‌های آنانی ختم خواهد شد که او و هم‌سپیکانش در مقام سخن، سر معارضه با ایشان دارند. کسانی که امثال مرجان‌های ساتراپی به ایشان لقب *امپریالیسم* می‌دهند.

از سویی هنوز، هستند منتقدینی که می‌پندارند نباید در مقام نقد این‌گونه آثار به پندار وجود توطن‌های سازمان یافته برای تخریب ایران و ارزش‌های آن فروغلطید ولی آیا می‌توان ساخته شدن آثاری چون پرسپولیس را یکسره تصادفی تصور نمود؟ در حقیقت هم‌چنان که می‌توان ساخته شدن آن‌ها را ناشی از ذائقه هنری یا زمان‌شناسی سازندگانشان قلمداد کرد به همان اندازه هم می‌توان از هدایت پنهان ایشان به سمت چنین موضوعاتی یاد کرد. به راستی

۱. ذلیلانه از این منظر که تعدادی غیر از نوع لختها و افرادی را بر اساس تفکر غربی، حق اولیه یک زن می‌داند. در نتیجه هنگامی که با چنین آثاری روبرو می‌شود، گمان می‌کند با کشوری ضعیف‌اند در دنیا، کشورهای چون عربستان یا افغانستان روبروست که زنان گسترش حضور را در اجتماع دارند.

۲. همچنان که در فیلم به صراحت آمده است وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مصروفش خود را در جریان پاکسازی نیروهای ماركسيست یا طرفداران حزب بولشویست دست داده است.

حضور کاتلین کندی، در مقام تهیه‌کننده این اثر چه معنایی دارد؟ جز این که ایشان فیلم و محتوای آن را در راستای ارزش‌های خویش یافته‌اند؟ هم‌چنین هم‌زمانی نمایش این فیلم با حملات متعدد رسانه‌های تصویری و مکتوب غربی در دو سال اخیر به اسلام را باید چگونه ارزیابی نمود؟ این روزها اخباری که دربارهٔ ساخته شدن یک فیلم ضد اسلامی توسط نمایندهٔ نژادپرست مجلس هلند، گیرت وایلدرز به گوش می‌رسد، اوج گستاخی غرب را نشان می‌دهد. به این‌ها باید فهرستی از تلاش‌های کاریکاتوریست‌های دانمارکی برای تخریب وجههٔ پیامبر اعظم را نیز اضافه نمود.<sup>۱۰</sup>

در شرایطی که این روزها افزایش تمایلات مارکسیستی در میان جمعی از فعالان دانشجویی ناآگاه در برخی تشکل‌های دانشگاهی کشور احساس می‌شود و حتی در پارهای زمان‌ها به درگیری و برخورد نیز انجامیده است، ساخت چنین انیمیشنی با همان ایده‌ها نمی‌تواند صددرصد اتفاقی محسوب شود. گو این که اگر ساخت آن را - بر اساس ادعای عوامل سازندهٔ انیمیشن پرسپولیس - به‌دور از هیاهوهای سیاسی نیز بدانیم، با حملهٔ رسانه‌ای پس از نمایش جهانی آن برای برگزیدن این انیمیشن سادهٔ کم جذابیت به عنوان اثری هنری و برگزیدهٔ جشنواره‌هایی چون کن چه می‌کنیم؟

با توجه به محتوای این انیمیشن، بیان دو نکته ضروری است:

۱. سیاه‌وسفید بودن انیمیشن و تا اندازه‌هایی - در مقایسه با آثار هالیوودی و ژاپنی - فاقد جذابیت بصری و داستانی بودن آن، می‌تواند این گمانه را تقویت کند که اصولاً جشنواره‌های هنری دنیا برای گزینش آثار برتر خود تابع معیارهایی غیرهنری هستند. اگر نخواهیم آن معیارها را سیاسی نام نهیم بی‌شک هنری نیز نخواهند بود. میل مفرط شهروندان عادی و یا اهل هنر غربی به دیدن شرایط عجیب و غریب زندگی مردمان جهان سوم، یکی از مهمترین این معیارهاست که هم می‌تواند شهروند غربی را به بهشت بودن دنیایی که در آن زندگی می‌کند امیدوار سازد و هم این که او را به درستی ایدئولوژی حاکم بر روابط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع غربی رهنمون سازد؛ چراکه آثاری چون پرسپولیس در نهایت پیام‌آور این نکته هستند که بدبختی مردم ایران! ناشی از ایدئولوژی اسلام سیاسی است.<sup>۱۱</sup> کافی است این آموزه را در کنار فعالیت‌های خرابکارانهٔ گروهک‌های تروریستی مجهول‌المکان و مجهول‌الهویهای چون القاعده قرار دهید تا به یک نتیجهٔ نهایی دست پیدا کنید.

به راستی اگر ما به عنوان یک شهروند غربی در برابر چنین داده‌هایی قرار می‌گیریم آیا چاره‌ای جز پذیرفتن نتیجهٔ نهایی - که همان محکومیت اسلام و ایران است - داشتیم؟ در حقیقت این آثار در بینندهٔ غربی همان حسی را ایجاد می‌کنند که شهروند ایرانی وقتی مستندی دربارهٔ فرقه‌های خنده دار موش پرستی و یا آیین‌های بی‌پایه و اساس کشورهای چون هندوستان

۱۰. اخباری مبنی بر نمایش صحنه‌ای ایهات فحش در برلین آلمان یا با سلخته شدن یک انیمیشن کوتاه توسط یک ایرانی به نام احسان فرجی علیه اسلام، تازه‌ترین اقداماتی از این دست هستند.

۱۱. جالب آن‌که با وجود تمایلات مارکسیستی و غیر دینی در مرجان ساتوری و این که وی در بسیاری از مصاحبه‌های خود بویک نیز حملاتی را متوجه نیروهای انقلابی ساخته است در اثر وی چه‌بجا روحانیت را نمی‌بینیم؛ با این‌که روحانیت اصلی‌ترین نیروی پیش‌برندهٔ انقلاب اسلامی ایران بوده است. این نکته را در فیلم پرسپولیس می‌توان با گمانه‌های مختلف تفسیر نمود. گرچه به نظر می‌رسد وی هنوز آمیزگار به بازگشت به ایران است که در اثرش این‌گونه جلب اجتناب را لحاظ کرده است.

می‌بندد به آن دست پینا می‌کند؛ و آن حس چیزی نیست مگر برانگیخته شدن احساس ترحم نسبت به آدم‌هایی عقب مانده یا ناآگاه در دنیای مدرن؛

۲. این روزها/یرانیت از دو ریشه حاصل می‌شود:

نخست ریشه و اصالت باستانی ماست که در آداب و رسوم چون نوروز، شب یلدا آثار باستانی‌ای چون تخت جمشید، نصف جهان، بیستون یا مفاخر ادبی‌ای چون فردوسی، مولوی، خیام، حافظ و... معنا می‌یابد. ریشه‌هایی که متأسفانه از سوی دوست و دشمن مورد بی‌مهری قرار گرفته‌اند. چه آن‌ها که این روزها درصدد تصرف چهره‌های ماندگار و مفاخر تاریخی ما هستند و چه دوستان متعصب مذهبی‌ای که بی‌توجه به سرانجام دیدگاه‌هایشان و با کوبیدن بر طبل نگرش دینی، راه تخریب اصالت‌های ایرانی را در پی گرفته‌اند.

دوم ریشه و اصالت اعتقادی ماست که در اسلام و خاصه فرهنگ شیعی ما متجلی است. همچنان‌که با نام پرسپولیس، ایران به ذهن‌ها خطور می‌کند با شنیدن نام شیعه، انقلاب اسلامی، ولایت فقیه، عاشورا، انتظار، جهاد و فلسطین نام ایران شیعی به ذهن‌ها متبادر می‌شود.

پس شگفت‌انگیز نخواهد بود که در پیوندی شوم، غرب به سرکردگی متفکرین و تئوریسین‌های اوانجلیست و صهیونیست به همراه گروهک‌های بی‌مایه تکفیری به ظاهر مسلمان، این ریشه را هدف گرفته باشند و با طرح مسائل بی‌ریشه‌ای چون خطر احیای امپراطوری صفوی و هلال شیعی بخواهند دنیا را در برابر باورهای فرهنگی شیعه تجهیز کنند.

به‌هرروی سال ۱۳۸۵ در شرایطی پایان یافت که انیمیشن سراسر تحریف ۳۰۰ توانسته بود ریشه آریایی ما را هدف بگیرد و حال سال ۱۳۸۶ به پایان رسید در حالی که انیمیشن پرسپولیس آگاهانه یا ناآگاهانه به لمبه‌ای جهت تخریب و جهت اسلام سیاسی و شیعی تبدیل شده است؛ آن‌هم در شرایطی که سازنده انیمیشن پرسپولیس، یک ایرانی است، سال‌ها در ایران زندگی و تحصیل کرده است و در مقام گفتار، تمایلات مارکسیستی و مواضعی ضدآمریکایی دارد. تمایلاتی که برای شهروند متفکر و روشنفکر غربی که از حضور آمریکا در همه شئون زندگی خود خسته شده بسیار دارای اهمیت است. به‌گونه‌ای که فردی چون مرجان ساتراپی را بی‌آن‌که در قواره‌های



یک متفکر یا اندیشمند مبارز و پیش‌رو باشد در مقام یک مُصلح اجتماعی نشانیده‌اند. و بی‌شک در آینده برای ساخته‌های بعدی او هزینه خواهند کرد گرچه به نظر می‌رسد بی‌مایه بودن باورهای این زن در همین اثرش که خلاصهٔ چهار کتاب به ظاهر پرفروشش بوده است، همهٔ توان او را به تصویر کشیده و بعید است در دیگر ساخته‌هایش جز تکرار همین نتیجه‌گیری‌های نابسامان و اشتباه چیزی برای عرضه کردن داشته باشد.



حاصل آن که به نظر می‌رسد در سال جدید نیز باید به انتظار هجمه‌ای دیگر نشست. بهتر است این جمله را این‌گونه اصلاح کنیم که چرا باید به انتظار نشست؟ به راستی ساختن انیمیشنی در قواره‌های پرسپولیس برای ما ناممکن است؟ یافتن پاسخ این پرسش چه اندازه زمان می‌برد؟

